مورخ ۲۰ مارچ ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا در رمله اسکنادریه: درباره اهمیت نوروز و اعیاد دینی و مبادرت به اقدامات خیریه در آن ایام

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۲۰ مارچ ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا در رمله اسکنادریه:درباره اهمیت نوروز و اعیاد دینی و مبادرت به اقدامات خیریه در آن ایام[[1]](#footnote-1)

#### (خطابات جلد سوم، ص. ۱۰۱-۱۰۳)

از عادات قديمه است که هر ملّتی از ملل را ايّام سرور عمومی که جميع ملّت در آن روز سرور و شادمانی کنند و اسباب عيش و عشرت فراهم آرند. يعنی يک روز از ايّام سنه را که در آن روز واقعه عظيمی و امر جليلی رخ داده آنرا انتخاب نمايند و در آن روز نهايت سرور و نهايت حبور و نهايت شادمانی ظاهر کنند ديدن يکديگر نمايند و اگر چنانچه بين نفوس کدورتی حاصل در آن روز آشتی کنند و آن اغبرار و آن دل شکستگی زائل شود دو باره بالفت و محبّت بپردازند.

چون در روز نو روز از برای ايرانيان امور عظيمه ای واقع شد، لهذا ملّت ايران يوم نوروز را فيروز دانستند و آنرا عيد ملّی قرار دادند. فی الحقيقه اين روز بسيار مبارک است، زيرا بدايت اعتدال ربيعی و اوّل بهار جهت شمالست و جميع کائنات ارضيّه، چه اشجار، چه حيوان، چه انسان جان تازه ای يابد و از نسيم جان پرور نشاطی جديد حاصل کند، حياتی تازه يابد و حشر و نشر بديع رخ بگشايد، زيرا فصل ربيع است و در کائنات حرکت عمومی بديع. وقتی سلطنت ايران مضمحل شده بود و اثری از آن باقی نمانده بود در اين روز تجديد شد. جمشيد بر تخت نشست، ايران راحت و آسايش يافت، قوای متحلّلهٔ ايران دو باره نشو و نما نمود، اهتزازی عجيب در دل و جانها حاصل گشت بدرجه ای که ايران از ايّام سلف که سلطنت کيومرث و هوشنگ بود بلند تر گرديد و عزّت و عظمت دولت ايران و ملّت ايران مقامی بالاتر گرفت و همچنين وقايع بسيار عظيمه در روز نوروز که سبب فخر و عزّت ايران و ايرانيان است وقوع يافت. لهذا هميشه ملّت ايران قريب پنج شش هزار سال است که اين روز را فيروز شمرده اند و شکون دانسته اند و روز سعادت ملّت شمرده اند و الی يومنا هذا اين روز را تقديس کنند و مبارک دانند. باری هر ملّتی را روزی است که آن روز را يوم سعادت دانند واسباب مسرّت فراهم آرند.

و در شرايع مقدّسهٔ الهيّه در هر دوری و کوری نيز ايّام سرور و حبوری و اعياد مبارکی که در آن روز اشغال متفرّقه ممنوع تجارت و صناعت و زراعت. خلاصه هر عملی حرام است. بايد کلّ بسرور و شادمانی پردازند و اجتماع کنند و محافل عمومی بيارايند و حکم يک انجمن حاصل کنند تا وحدت ملّت و الفت و يگانگی در جميع انظار مجسّم شود. و چون روز مبارکی است نبايد آن روز را مهمل گذاشت، بی نتيجه نمود که ثمر آن روز محصور در سرور و شادمانی ماند. در چنين يوم مبارکی بايد تأسيس مشروعی گردد که فوائد و منافع آن از برای ملّت دائمی ماند تا در السن و تاريخ مشهور و معروف گردد که مشروع خيری در فلان روز عيد تأسيس يافت. پس بايد دانايان تحقيق و تحرّی نمايند که احتّياج ملّت در آن روز بچه اصلاحی است و چه امر خيری لازم و وضع چه اسّی از اساس سعادت ملّت واجب تا آن اصلاح و آن امر خير و آن اساس، در آن روز تأسيس گردد. مثلاً اگر ملاحظه کنند که يک ملّت محتاج تحسين اخلاق است اساس تحسين اخلاق را در آن روز تأسيس کنند ملّت اگر احتّياج به انتشار علوم دارد و توسيع دائرهٔ معارف لازم در آن روز در اين خصوص قراری بدهند يعنی افکار عموم ملّت را منعطف بآن امر خير کنند و اگر چنانچه ملّت احتياج بتوسيع دائرهٔ تجارت يا صناعت يا زراعت دارد در آن روز مباشرت بوسائلی نمايند که مقصود حاصل گردد. يا آنکه ملّت محتاج به صيانت و سعادت و معيشت ايتام است، از برای سعادت ايتام قراری بدهند و قس علی ذلک، تأسيساتی که مفيد از برای فقرا و ضعفا و درماندگان است تا در آن روز از الفت عموم و اجتماعات عظيمه نتيجه ای حاصل گردد و ميمنت و مبارکی آنروز ظاهر و آشکار شود.

باری در اين دور بديع نيز اين روز بسيار مبارک است. بايد احبّاء الهی در اين روز به خدمت و عبوديّتی موفّق شوند. بايد با يکديگر در نهايت الفت و محبّت و يگانگی دست در آغوش شوند و بکمال فرح و سرور به ذکر جمال مبارک مشغول گردند و در آن فکر باشند که در چنين يوم مبارکی نتائج عظيمه حاصل شود. و امروز نتيجه و ثمری اعظم از هدايت خلق نيست، زيرا اين خلق بيچاره از جميع مواهب الهيّه علی الخصوص ايران و ايرانيان بی نصيب مانده اند. احبّای الهی در چنين روزی البتّه بايد يک آثار خيريّه صوريّه يا آثار خيريّه معنويّه بگذارند که آن آثار خيريّه شمول بر جميع نوع انسانی داشته باشد.زيرا در اين دوربديع، هر عمل خيری بايد عمومی باشد، يعنی شمول بر جميع بشر داشته باشد اختصاص به بهائيان نداشته باشد. در جميع ادوار انبياء امور خيريّه تعلّق بنفس آن ملّت داشت مگر مسائل جزئيّه مثل صدقه که تجويز شمول بر عموم داشت. امّا در اين دور بديع چونکه ظهور رحمانيّت الهی است، جميع امور خيريّه شمول بجميع بشر دارد بدون استثناء. لهذا هر امری عمومی يعنی که تعلّق بعموم عالم انسانی دارد الهی است و هر امر خصوصی و مشروعی از مشروعات عالم انسانی که تعلّق بعموم ندارد محدود است. لهذا اميدم چنان است که احبّای الهی هر يک از برای عموم بشر رحمت پروردگار باشند و عليکم البهاء الابهی.



1. خطابه در روز نوروز غرّهء ربيع الثّانيه ١٣٣٠ در رملهء اسکندريّه در هتل ويکتوريا [↑](#footnote-ref-1)